خوشبینی تولد یا تولد خوشبینی ؟

قطب‌الدین صادقی

نقدی بر نمایش "تولد"
نویسنده : آرمان گاتی
مترجم : رضا سیدحسینی
کارگردان : رکن‌الدین خسروی
طراح صحنه : احمد حسین‌پور
طراح لباس : کیانوش امیری
طراح ماسک و علائم : جواد ذوالفقاری
طراح گریم : مهین میهن
طراح نور : کریم بهمنی
بازیگران : تانیا جوهری ــ جمشید لایق سهراب سلیمی ــ بیوک میرزائی جمشید جهانزاده ــ بهروز بقائی ــ سعید ساحلی ــ حسین سحرخیز ــ داود دانشور و...
دی و بهمن‌ماه ۶۷ ــ تالار موزه آزادی

رکن‌الدین خسروی نیز همچون سمندریان پس از چندین سال سکوت و خاموشی به صحنه تاتر بازگشته است و اتفاقا" نمایشی در دست گرفته که می‌توان آن را به نوعی عکس‌العمل نمایش سمندریان دانست. با اجرای نمایش "تولد" اثر "آرمان گاتی" ــ و به ترجمه شیوای سیدحسینی ــ دست‌کم می‌توان گفت که برخلاف دورنمات شکاک که منتقدان راستگرای غربی او را دربرابر "برتولت برشت" و شهرت او بزرگ کردند، این‌بار سروکار ما با نویسنده مبارزی است که می‌خواهد با سبک و روش خود به گونه‌ای دنباله تاتر متعهد برشت باشد. به همین‌سبب دربرابر بدبینی فلسفی دورنمات که انسان را فطرتا" بد و تغییرناپذیر می‌داند، " گاتی " انسان را درحال نبرد و مبارزه برای جهانی بهتر ترسیم می‌کند. یعنی در گاتی یک خوشبینی انقلابی و پرخاشگرانه وجود دارد که دورنمات اساسا" فاقد آن است. حال در این شرایط کدامیک بیشتر محق به نظر می‌آید، خود امری است جداگانه و تصمیم آن با تماشاگر ایرانی است.

آرمان گاتی را می‌توان از بهترین چهره‌های تاتر متعهد فرانسه دانست. این روزنامه‌نگار و فیلمساز سیاسی می‌خواهد ساختمان و بافت سنتی تاتر را درهم ریخته و می‌کوشد از آن یک وسیله سیاسی بتراشد تا بتواند به موقعیت‌های بالقوه انقلاب در اکناف جهان و افشای قدرتمداران راستگرا بپردازد. برای مثال در نمایشنامه "مرد تنها" او به چین، در "و، مثل ویتنام" به جنگ ویتنام و در "تولد" به آمریکای لاتین بحران‌زده می‌پردازد. گوئی آثار او مانند کمربندی جهان را دربر گرفته است.

تکنیک درام‌نویسی او مطلقا" بدیع و در انطباق با حرفی است که می‌خواهد با تماشاگرانش درمیان بگذارد. او درباره‌ٔ حوادث روز با تکنیک سینما و روحیه روزنامه‌نگاری سخن می‌گوید، با "فلاش‌بک"هائی از چپ و راست، بی‌مقدمه و اغلب ناگهانی. در فن درام‌نویسی، مهم برای گاتی عامل "زمان" است، اینکه چگونه در زمان حال، گذشته را با قدرت تمام و به نحوی دیگر بازسازی‌کند. در "مرد تنها" ما حتی با "فلاش‌فوروارد" سروکار داریم: در یکی از ۲۰۰ غار کوهستان "لونگ‌شن" در زمستان، چریک "لی ــ چی‌لیو" مخفیانه‌زندگی می‌کند و در انتظار نبرد به سر می‌برد. اما مساله او "گذشته" نیست بلکه خیالات "آینده" است.

زبان گاتی پر از طنز و ترکیبات مردمی و مملو از تخیل است و این گاه حتی مزاحم کار اوست. مثلا" در نمایشنامه "سیزده آفتاب کوچه سن‌بلیز" که با همکاری و بداهه‌سازی تماشاگران "تاتر غرب پاریس" ساخته شد و موضوع آن مربوط به تخریب کردن خیابانی قدیمی برای نوسازی شهر پاریس است، ناگهان شخصیت‌های او "کمون پاریس" در ۱۸۷۱ را به یاد می‌آورند. اما برداشت‌های متعدد از کمون موجب می‌شود که تماشاگر هدف اصلی نویسنده را گم کند و در زیر بهمنی از "تصاویر" مدفون شود. زیرا در همه نمایشنامه‌هایش گاتی سرآن دارد تا توضیحات مفصل درباره جزئیات بدهد و طبیعتا" این موجب می‌شود آکسیون یا عمل نمایش کمتر متحول گردد. بنابراین می‌توان گفت که تاتر او اصالت خودش را ازطریق لحظات تقریبا" ایستا و دربیان "حرکت فکری" نشان می‌دهد. تاتر او پیشرفت و دگرگونی در درون فرد، و تحول کند اندیشه درباره‌ٔ جهان معاصر در نزد برخی کاراکترها را به ما می‌نمایاند. گاتی گرچه عمیقا" ملهم از برشت است اما می‌خواهد در تاتر کسی باشد که "آلن رب‌گری‌یه" در رمان و "آلن رنه" در سینماست، و درپی آن است تا با این زبان جدید دردهای روانی و اجتماعی و سیاسی را بیان کند و تماشاگران را یاری دهد نوعی برادری جهانی بدون توجه به زمان و مکان را دریابند.

علیرغم فقدان یک خط داستانی ممتد و ساده "تولد" را می‌توان "داستان‌دار"ترین نمایشنامه‌های او دانست. زیرا اصولا" گاتی در تاتر ضدارسطوئی‌اش به بافت منسجم داستان هیچ بهائی نمی‌دهد. به عنوان مثال در " لکلک" که به بمباران اتمی ژاپن می‌پردازد، براساس این افسانه قدیمی ساخته شده است که مریض محکوم به مرگ اگر ۱۰۰۰ لکلک کاغذی بسازد از مرگ می‌رهد، و " اویاناگی"، دخترکی که در ناکازاکی گرفتار تشعشعات شده است توفیق می‌یابد تنها ۷۰۳ لکلک بسازد. پس مرگ را پذیرا می‌شود. در

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

این نمایش گروهی از اشخاص داوطلب که قرار است کوچه‌های ناکازاکی بعد از بمباران را پاکسازی کنند دارای دو عملکرد متفاوت‌اند:
۱ــ به جای اشیای اتم‌زده همیشگی چون کتری، لامپ، ساعت، شیپور وغیره بازی می‌کنند.
۲ــ به عنوان آدم از حالت شیئی خارج شده و بازی دیگری می‌کنند.

ویا در نمایشنامه "زندگی خیالی اوگوست ــ ژ رفتگر" شخصیت اصلی که در بستر مرگ است، زندگی‌اش را در تخیل می‌بیند و اوهام کمکش می‌کند تا خودش را در هفت مکان موازی و در زمان‌های مختلف ببیند.

بنابراین تاتر ضد ناتورالیست و بسیار پیچیده گاتی ازنظر شکل کاملا" آوانگارد و ازنظر محتوا در رده آثار برشت است. هرچند که همزمان بودن صحنه‌ها، ادغام زمان‌های مختلف، و تداخل تخیل در حوادث روزمره، از ابداعات مطلقا" شخصی اوست و وجه تمایز او با تاتر حماسی یا اپیک برشت به حساب می‌آید.

"تولد" داستان تمرد چند افسر گوانتالائی و سپس شورش انقلابی آنان است که به جنگ چریکی در جنگل دست می‌زنند. حرکت آنان توسط نیروهای دولتی به مستشاری افسری آمریکایی سرکوب می‌شود. در این یورش قوای دولتی چند تن دیگر ازجمله یک روزنامه‌نگار، یک زن جوان بورژوا، یک روستایی و یک طفیلی شهری نیز درگیر می‌شوند. دستگیرشدگان را تا گردن در خاک فرو می‌کنند و پس از دو روز چندتن آنان می‌میرند. چریکی می‌گریزد، افسران دولتی کشته می‌شوند و دیگران نجات می‌یابند. از همه جالب‌تر زن جوان است که راه خود را قاطعانه انتخاب می‌کند و دارای یک هویت تازه و انقلابی می‌شود.

در دل این داستان تبلیغی ــ سیاسی، گاتی با گشاده‌دستی به همه کاراکترها میدان حرف و عمل و تفکر و رویا داده‌است، و موفق می‌شود تا شکلی جدید از تاتر سیاسی عرضه دارد که بعد تخیل و ذهنیت آن اگرنه بیشتر حداقل مساوی با بعد ملموس و واقعی آن است. اما درعمل رکن‌الدین خسروی از این شکل تاتر گاتی دور شده و پاره‌هایی از تکنیک تاتر "اروین پیسکاتور" را به وام گرفته است. پیسکاتور که بانی راستین تاتر مبارز و سیاسی مابین دو جنگ جهانی است، خواهان یک تاتر اندیشه بود نه یک تاتر احساسی. تاتری که بیشتر تلفیقی است از "هنر" و "اسناد" (عکس، فیلم، اسلاید، بریده نطق‌ها، مقالات روزنامه‌ها و آفیش‌های متعدد). او برای تاثیر قاطع‌تر از مدرن‌ترین فنون زمان استفاده می‌برد و حتی هنگامی نیز که نمایشی کلاسیک کار می‌کرد آن را مطلقا" در ارتباط با وقایع روز قرار می‌داد. بجز کاربرد اسلاید البته خسروی هیچیک از ابتکارات پیسکاتور را به کار نگرفته است. اما درعوض علاوه بر اسلایدهای متنوعی که رابطه نابرابر و ظالمانه آمریکا با جهان، از ژاپن و ویتنام گرفته تا آفریقای جنوبی، سیاهان آمریکا و آمریکای لاتین را نشان می‌دهد، به ابتدا و انتهای نمایش خود موقعیتی کارناوال‌گونه افزوده است و در آن اطلاعات مستقیم تاریخی و اقتصادی درموردگواتمالا به تماشاگران می‌دهد و سرودها و شعارهائی درطول نمایش گنجانده که توسط گروه همسرایان به صورت مستقیم رو به تماشاگران خوانده می‌شود. وهمه اینها البته نمایش را از چهارچوب جغرافیایی گواتمالا به در می‌برد و به آن بعدی فراگیرتر و جهانی می‌دهد.

این اضافات به نمایش "تولد" که اصولا" ساختمان آن مانند فیلمی است با صحنه‌های موازی و لحظات کوتاه و کامل، بیشتر از پیش ساختمان یک "رپرتاژ" سیاسی را داده است و نمایش را مستقیم و "رو"تر کرده است. کاری که گاتی عامدا" از آن پرهیز دارد. ظاهرا" این کار به این نیت بوده است تا هیجان و شور نمایش افزون‌تر شود. اما درعمل روال قصه بیشتر شکسته شده و ساختمان نمایش نسبتا" وسیع و مبهم‌تر گشته است. اما روشن است تمام تمهیدات فوق یک جهت‌گیری آشکار برای خسروی دارد و آن افشای رسوائی آمریکا در سطح جهانی و به‌خصوص از جنگ جهانی دوم به این‌سو است.

جای اینگونه آثار سیاسی که بعدی تحلیلی و نیز تخیلی دارد البته در مجموعه نمایشی ما خالی است. و ما به درستی باید شاهد آثاری از این‌دست در میان انواع محدود نمایش‌های هر فصل خود باشیم.

گمان نکنیم توان خسروی بالاتر از اینهاست و ما ذهنیت تاتری شکیل‌تری در او سراغ داریم، این کار او نیز از هرنظر چهارچوب و فضای یک تاتر مستقیم سیاسی را به خوبی القا می‌کند و در ارائه روابط پیچیده کاراکترها و تحول تدریجی آنها موفق است. اما در گذاشتن تاثیری قاطع بر تماشاگران اندکی کند می‌نماید، زیرا به ما ازنظر هیجان دراماتیک یا یک تحلیل تازه سیاسی چیزی نمی‌افزاید. گوئی سالهاست با این درونمایه‌ها آشنائیم، به‌نحوی که حتی برای ما اندکی تکراری است. یا شاید هم اصولا" در این مقطع زمانی تماشاگر به دنبال روابط دیگری در تاتر می‌گردد. و ما از خود می‌پرسیم آیا نمی‌توان دنیا را طور دیگری دید و فهمید؟

در اجرای خسروی که می‌توان آن را نسبتا" تمیز و مودب و تاحدودی بدون‌تحرک تشریح کرد، فضای نمایش بنا به ماهیت اثر پراکنده و متلاشی است و این به‌یاری تعیین‌کننده نور است که همه اجزا به هم مرتبط می‌شوند. نور همچنین در هویت بخشیدن به طرح دکور احمد حسین‌پور که با الهام روشن و مستقیم از کارهای ریتمیک "آدولف آپیا" طراحی شده است، سهم به سزائی دارد. بی‌تردید بزرگی بیش‌ازحد این سکوی ریتمیک و سفید درکندی ضرباهنگ نمایش تاثیر قاطع گذاشته است. گرچه کندی این ریتم را خسروی جای‌جای می‌خواهد با شعارها، سرود و فریاد کارناوالی مردان و زنان جبران کند. تحرکی از این‌دست اگرچه موثر اما کمتر تاتری است زیرا متکی به بازی بازیگران نیست و غالب اوقات مطلقا" لحظه‌ای و الصاقی است.

بیان مطنطن و شمرده بازیگران که در آن "ریتم" فدای "کلمه" شده است، یکی دیگر از عوامل عدم تحرک کافی "تولد" است. از آنجا که در تولد ما با نمایشی سیاسی سروکار داریم، می‌توان فقدان یک ریتم پرشور را به خوبی لمس کرد. و کم‌اند صحنه‌هائی چون "اپرای بیست‌وپنج سنتی" که دارای تحرک و ظرافت‌های بازی و برخوردار از شور و ارتباط دراماتیک باشند. علاوه بر اینها به جز جهان‌زاده و لحظاتی میرزائی و جوهری و ساحلی، دیگران کم‌وبیش محدود و بسته بازی می‌کنند.

خسروی با تمهیدی ظریف در پایان نمایش یک بار دیگر پیروزی نجات‌یافتگان را با کودتا نشان می‌دهد و ماجرا با سرود و مارش به سوی آینده خاتمه می‌یابد، و بدین‌وسیله تولد بازیافته آدمها با نوعی بیم و امید یا خوشبینی بالقوه نسبت به آینده پیوند می‌خورد. به تعبیری می‌توان این خوشبینی انقلابی را در شرایط کنونی کارساز و سازنده خواند. اما همچنین باید دربرابر یک پیروزی کلیشه‌ای افراطی و مطلقا" صحنه‌ای هوشیار بود! گرچه به‌هرطریق می‌توان گفت ما محکوم به این خوشبینی هستیم وگرنه آینده آبستن هیچ تغییری نخواهد بود و هیچ دگرگونی روی نخواهد داد!

اگر اجرای خسروی خوشبینی گاتی را در تماشاگر پدید آورد و ما را وادار به حرکت سازد، بی‌شک برد با اوست. وگرنه باید برای برانگیختن مخاطب به بدبینی دورنمات روی کرد که پرده‌ها برمی‌افکند. بر چهارراه تضادهای زمانه‌ای که ما ایستاده‌ایم، راستی کدامیک برانگیزاننده‌تر است؟ کیست آنکه واقع‌بین‌تر می‌نماید؟ بدبینی دورنمات یا خوشبینی گاتی؟

به پاسخ این سئوال، دست‌اندرکاران تاتر ما بیشتر از تماشاگران نیازمندند. ●